

### مقدمه

حضرت آدم (علیه السلام) مسجد الحرام را همزمان با بنای کعبه ساخت. در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام)، در تجدید بنای کعبه، حدود مسجد نیز مشخص شد. البته، مردم این حدود را رعایت نکردند و در اطراف کعبه و داخل محدوده‌ی مسجد الحرام خانه ساختند. پس از اسلام و به مرور، حدود اولیه به مسجد بازگردانده شد و بخشی نیز به آن افزوده شد.

حسین ابن نعیم روایت می‌کند: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّا زَادُوا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ عَنِ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَقَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ (ع) حَدَّاهُمَا مَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، فَكَانَ النَّاسُ يُحْجُونَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَى الصَّفَا»<sup>۱</sup>. این حدیث و سایر حدیث‌ها در این مورد نشان می‌دهد که حدود مسجد از قبل تعیین شده است. علاوه بر احکام کلی مساجد، مسجد الحرام آداب و احکام مخصوصی نیز دارد. وجود کعبه در درون مسجد، قداست ویژه‌ای به آن بخشیده است و عبادت، نماز خواندن و تلاوت قرآن را در آنجا نمی‌توان با سایر مکان‌ها مقایسه کرد. مسجد الحرام تاریخی کهن و پرماجرا دارد؛ حضور پیامبران و طمع مشرکان برای تسخیر یا تخریب آن از دیگر ویژگی‌های متمایز این مسجد است.

### مسجد الحرام بهانه‌ای برای وصال

امام صادق (علیه السلام) فرموده است هنگام ورود به مسجد الحرام بگویند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ»<sup>۲</sup> بار خدایا! من بنده‌ی توام و این شهر شهر توست و این خانه خانه‌ی توست. من به جستجوی رحمت تو بدین بارگاه آمدم و در راه بندگیت قدم نهادم. به فرمانت تن داده‌ام و به مقدرات رضا داده‌ام و اینک مانند در ماندگان خائف دست ترحم به سویت دراز کرده‌ام. بار خدایا! درهای رحمت را به رویم بگشا و در خدمات و خواسته‌هایت کارگزارم. فرما.

<sup>۱</sup> تهذیب، ج ۵، ص ۴۵۳ و ۱۵۸۴.

<sup>۲</sup> کافی، ج ۴، ص ۴۰۱.

همه‌ی فرازهای این دعا بیان‌کننده‌ی این حقیقت است که حضور در مسجد، بهانه‌ای برای وصال به رحمت خداوند است.

## وادی پاکان و طاهران

قرآن می‌فرماید:

«لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۱</sup> به حقیقت کلام خدا دست نخواهید یافت، مگر آنکه پاک و طاهر باشید؛ زیرا کلام پاک، فکر و نیت پاک می‌طلبد.

«ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّقُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۲</sup> ورود به فضای پاکان نیز طهارت ظاهری و باطنی می‌طلبد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۳</sup> ورود مشرکان به مسجد الحرام منع شده است؛ زیرا در محیطی که نور توحید تابش دارد و موحدان در آن اجتماع می‌کنند، نباید تاریکی و ظلمت شرک و کفر جایی داشته باشد.

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»<sup>۴</sup> حتی امارت و بنای ساختمان مسجد نیز نباید به دست ناپاکان آلوده شود؛ زیرا سراسر مسجد نور است و طهارت با شرک و کفر سنخیتی ندارد.

## مؤمن دلدادگان و پناهندگان

امام رضا (علیه‌السلام) در حدیث معروف سلسله‌الذهب از خداوند متعال نقل می‌فرماید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»<sup>۵</sup> اما مسجد الحرام مظهر کلمه «توحید»

است و هر مسلمانی در آن جا در امان است و هیچ کس حق تعدی و مزاحمت به او را ندارد.

خداوند می‌فرماید:

<sup>۱</sup> سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹

<sup>۲</sup> سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۹

<sup>۳</sup> سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۲۸

<sup>۴</sup> سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷

<sup>۵</sup> صحیفه الإمام الرضا علیه السلام / ۴۰ / متن الصحیفه

«وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»،<sup>۱</sup> حتی مشرکانی که نباید به مسجد الحرام راه یابند، اگر روزی به این مسجد پناهنده شدند، تازمانی که قصد توطئه یا جنگ و ستیز با مؤمنان را نداشته باشند، باید به پناهندگی آنان احترام گذاشت.

«وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»،<sup>۲</sup> در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ در آیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.

همان گونه که گردآمدگان در مسجد الحرام باید از تعدی و تجاوز دیگری در امان باشند، این امید را نیز باید داشته باشند که خداوند آنان را از عذاب و قهر خودش در امان خواهد داشت تا در مآمن رحمت او سکنا گزینند.

### محل امن مبارزه با شرک جهانی

مسجد الحرام فقط محلی برای عبادت نیست بلکه مرکز فریاد توحید و عدالت و مبارزه با شرک است. همه‌ی پیامبران - از آدم تا خاتم - در آنجا حضور داشتند و ندای توحید و مبارزه با شرک را سر داده‌اند. مسجد الحرام مرکز مشترک همه‌ی انبیا در شعار توحید و مبارزه با شرک است و با چنین پیشینه و جایگاهی موقعیتی استراتژیک دارد؛ بنابراین مدیریت آن به کسانی سپرده می‌شود که نخست به توحید ایمان داشته باشند و همچنین التزام عملی خود را به آن اثبات کنند.

خداوند می‌فرماید: مسلمانان باید در مبارزه با شرک، شجاعت داشته باشند و از غیر خدا نهراسند.<sup>۳</sup> همچنین، خداوند در بیان اینکه فقط پرهیزکاران شایسته‌ی تصدی امور مسجد الحرام هستند می‌فرماید:

«وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاءُؤُهُ إِلَّا الْمُتَفُونُ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۴</sup>

آنان که خود از سردمداران شرک بوده‌اند، دل به بیگانگان سپرده‌اند و دنیا و دین خود را با مشرکان پیوند زده‌اند، نمی‌توانند مدیریت کانون توحید و مبارزه با شرک را به‌دست گیرند و مسلمانان را در ستیز با شرک رهبری کنند. به‌دلیل جایگاه ویژه‌ی مسجد الحرام در مبارزه با شرک، مشخص می‌شود که چرا مستحب است

<sup>۱</sup> سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۵

<sup>۲</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۱

<sup>۳</sup> سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷ و ۱۸

<sup>۴</sup> سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۴

از باب «بنی شیبیه» به مسجد الحرام وارد شویم. وقتی علی (علیه السلام) بت هبل را از کعبه پایین آورد و شکست، به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن بت در جایی دفن شد که به باب «بنی شیبیه» معروف است. حاجیان هنگام ورود به وادی توحید، نخست شرک (بت هبل) را زیر پای خود لگدمال می کنند و سپس وارد می شوند.

«فی شرح المآزمین - انه موضع عبد فيه الاصنام ومنه اخذ الحجر الذي سخت منه هبل الذي رحي به علي (ع) من ظهر الكعبه، لما علا ظهر رسول الله (ص) فامر به فدفن عند باب بنی شیبیه فصار الدخول ای المسجد من باب شیبیه سنه الاجل ذلك»<sup>۱</sup>.

### نماد نفی نژادپرستی و نظام طبقاتی

در مسجد الحرام همه یکسان هستند و وحدت و یکپارچگی در آن موج می زند. مردم از هر کشوری، با هر نژادی و در هر سطحی از موهبت دنیایی و الهی برخوردارند:

«وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ»<sup>۲</sup>، مسجد الحرام که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه نشین، یکسان قرار داده ایم.

در مسجد الحرام، حتی مرزهای جنسی نیز تعریف دیگری پیدا می کند. شخصی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَفُؤْمُ أَصَلِّي وَالْمَرْأَةُ جَالِسَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ أَوْ مَارَّةً» و امام پاسخ داد: «لَا بَأْسَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ بَكَّةً لِأَنَّهَا يَبْكُ فِيهَا الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ»<sup>۳</sup>.

در سایر مسجدها و محفل ها، حتی در عرصه ی جهاد با دشمن، حضور زنان واجب نیست؛ اما در مسجد الحرام برای انجام مناسک عبادی حج یا عمره، حضور زنان واجب می شود. در مراسم حج، زن و مرد کنار یکدیگر گرد کعبه طواف می کنند که نشان می دهد در کمال معنوی و صعود الی الله جنسیت، نژاد و طبقات دنیوی نقشی ندارد.

### مسجد الحرام پایانی برای آغاز

حضور در مسجد الحرام مرحله ی پایانی مناسک حج است؛ اما این پایان آغازی است برای سیروسلوک. خداوند معراج پیامبر خود را از مسجد الحرام قرار داد تا به بندگان وارسته ی خود بگوید کعبه پایان حرکت آنان نیست. آنان که به کعبه رسیدند، در ابتدای کار قرار دارند و باید از اینجا عروج کنند و راه معراج را

<sup>۱</sup> الحج والعمرة، ص ۴۸، حدیث ۱۰۹.

<sup>۲</sup> سوره ی حج، آیه ی ۲۵

<sup>۳</sup> بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۹۴.

برگزینند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا»<sup>۱</sup>.

### مسجد الحرام مقصد و مقصود همگان

کعبه و مسجد الحرام فقط مقصد و مقصود حاجیان نیست و به زمانی خاص محدود نشده است؛ بلکه در هر زمان و لحظه‌ای مبدأ و مقصد همگان است. کعبه و مسجد الحرام قبله و تکیه‌گاهی هستند که هر کس، از هر جا و در هر حالی، به آن‌ها روی می‌آورد و آرامش می‌یابد.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»<sup>۲</sup>، ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن برگردانید.

### مانعان خانه‌ی خدا

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ»<sup>۳</sup>.

در آیه‌های قبلی، به‌طورمطلق سخن از کفار در میان بود؛ ولی در آیه‌ی مورد بحث به گروه خاصی از آنان اشاره شده است که تخلف‌ها و گناهان سنگینی داشته‌اند؛ به‌خصوص درباره‌ی «مسجد الحرام» و مراسم پرشکوه حج. خداوند نخست می‌گوید کسانی که کافر شده‌اند و جلوی حرکت مردم به‌سوی خدا را می‌گیرند و مردم باایمان را از کانون بزرگ توحید، مسجد الحرام، باز می‌دارند، مستحق عذابی دردناک هستند و همچنین، خداوند می‌فرماید: هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف شود و به ظلم و ستم دست بزند، عذابی دردناک به او می‌چشاند.

درواقع، این گروه از کافران، علاوه بر انکار حق، مرتکب سه جنایت بزرگ شده‌اند:

- ۱- جلوگیری از راه خدا و ممانعت از مؤمنان در ایمان به خدا؛
- ۲- جلوگیری از ورود عبادت‌کنندگان و زوار خانه‌ی خدا و امتیاز قائل شدن برای خود؛
- ۳- ظلم، گناه و الحاد در این سرزمین مقدس.

۱ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۴

۳ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۵

در این آیه، «کفر» این گروه به صورت «فعل ماضی» آمده است و «جلوگیری از راه خدا» به صورت «فعل مضارع»؛ در نتیجه به این نکته اشاره می‌کند که کفر آن‌ها قدیمی است اما تلاش و کوششان برای گمراه کردن مردم همیشگی و مستمر. به تعبیر دیگر، جمله‌ی اول از اعتقاد باطل آن‌ها سخن می‌گوید که امری است ثابت و جمله‌ی دوم از عمل مکررشان در «صد عن سبیل الله». منظور از «سد عن سبیل الله» هر تلاش و کوششی است برای جلوگیری از ایمان و اعمال صالح مردم و همه‌ی برنامه‌های تبلیغاتی و عملیاتی که در جهت تخریب اعتقاد مردم انجام می‌گیرد.

### همه‌ی مردم در این مرکز عبادت یکسانند

در تفسیر جمله‌ی «سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» مفسران بیانات گوناگونی دارند: بعضی گفته‌اند منظور این است که همه‌ی مردم در مراسم عبادی این کانون توحیدی یکسانند و هیچ کس حق مزاحمت برای حج دیگری را ندارد. بعضی معنی وسیع‌تری برای این جمله قائل شده‌اند و گفته‌اند: نه تنها در مراسم عبادت همه‌ی مردم یکسانند بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه‌های اطراف مکه برای استراحت و سایر نیازها نیز باید مساوی باشند؛ به همین جهت، جمعی از فقها خرید و فروش و حتی اجاره‌ی خانه‌های مکه را تحریم کرده‌اند. در روایات اسلامی نیز تأکید شده است که نباید از سکونت زائران در خانه‌های مکه جلوگیری کرد. برخی این منع را از باب کراهت و برخی از باب حرمت می‌دانند.

در نهج البلاغه، در نامه‌ی ای که علی (علیه السلام) به قثم بن عباس، فرماندار مکه، نگاشت، چنین می‌خوانیم: به مردم مکه دستور بده که از کسانی که در این شهر سکنی می‌گزینند، اجاره بها نگیرید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: در این سرزمین برای کسانی که مقیمند یا از بیرون می‌آیند، یکسانند. منظور از «عاکف» کسی است که در آنجا اقامت دارد و مراد از «بادی» کسی است که از نقاط دیگر به قصد حج می‌آید.<sup>۱</sup>

از بعضی از روایات نیز استفاده می‌شود که زوار خانه‌ی خدا حق دارند از حیاط خانه‌ها تا پایان مناسک حج استفاده کنند. البته، این حکم تا حد زیادی با بحث آینده ارتباط دارد که منظور از مسجد الحرام در این آیه، آیا خصوص آن مسجد است یا تمام مکه را شامل می‌شود. اگر قول اول را بپذیریم، نوبت به خانه‌های مکه نمی‌رسد ولی اگر تمام مکه را در مفهوم آیه داخل بدانیم، تحریم خرید و فروش و اجاره برای حاجیان مطرح می‌شود. از آنجا که این مطلب از نظر منابع فقهی و روایات و تفسیر مسلم نیست، حکم به تحریم مشکل است، ولی بدون شک سزاوار است که اهل مکه برای زائران خانه‌ی خدا تسهیلات لازم را فراهم کنند و

<sup>۱</sup> نهج البلاغه نامه‌ی ۶۷

خود را برتر ندانند. به هر حال، در میان فقهای شیعه و اهل سنت، قول به تحریم طرفداران زیادی ندارد.<sup>۱</sup> البته، این معنا نیز مسلم است که هیچ کس حق ندارد به عنوان متولی خانه‌ی خدا یا عنوان دیگر، برای زائر این خانه مزاحمتی ایجاد کند یا آن را به پایگاه اختصاصی برای تبلیغات و برنامه‌های خود تبدیل کند. بعضی گفته‌اند: منظور همان چیزی است که از ظاهر آیه درک می‌شود؛ یعنی خانه‌ی کعبه و کل مسجدالحرام. برخی دیگر آن را اشاره به تمام مکه می‌دانند و آیه‌ی اول سوره‌ی اسراء را که در باره‌ی معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، دلیل بر نظر خود می‌دانند؛ زیرا در این آیه تصریح شده است که آغاز معراج از مسجدالحرام بود؛ در حالی که تاریخ می‌گوید: از «خانه‌ی خدیجه» یا «شعب‌ابی طالب» یا «خانه‌ی ام‌هانی» بوده است. در نگاه این دسته، بنابراین، منظور از مسجدالحرام کل مکه است.<sup>۲</sup> باید گفت از آنجا که نمی‌دانیم آیا شروع معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از بیرون مسجدالحرام بوده است یا از داخل آن، دلیلی نداریم که آیه‌ی مورد بحث را از ظاهرش باز گردانیم. بنابراین، حیطة‌ی موضوع بحث فقط مسجدالحرام است. حکم دوم به سبب این است که حکم مزبور ظاهراً حکمی استحبابی است.

«الحاد» در لغت به معنای انحراف از حد اعتدال است و «لحد» را از این جهت لحد می‌گویند که حفره‌ای در کنار قبر و خارج از حد وسط است. بنابراین، منظور از آیه‌ی فوق کسانی است که با توسل به ظلم، از حد اعتدال خارج می‌شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌گردند. البته، برخی از مفسران الحاد را منحصرأ به معنای «شُرک» تفسیر کرده‌اند و بعضی به معنای حلال شمردن محرمات و بعضی دیگر از مفسران، آن را به معنای وسیع کلمه دانسته‌اند؛ یعنی ارتکاب حرام، دشنام و بدگویی به زیر دستان. در نگاه این دسته، کیفر ارتکاب گناه در آن سرزمین مقدس، شدیدتر و سنگین‌تر است.

امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «كُلُّ ظَلْمٍ يَظْلِمُ بِهِ الرَّجُلُ نَفْسَهُ بِمَكَّةَ مِنْ سَرِقَةٍ أَوْ ظَلْمٍ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّي أَرَاهُ إِلْحَادًا وَ لِدَلِكْ كَانَ يُنْهَى أَنْ يُسْكَنَ الْحَرَمَ»، هر گونه ستمی که انسان به خودش در سرزمین مکه کند؛ اعم از سرقت و ظلم به دیگران و هر گونه ستمی، من همه‌ی این‌ها را الحاد (و مشمول این آیه) می‌دانم. از همین رو، امام به افراد توصیه می‌کرد که در مکه زندگی نکنند، زیرا گناه در این سرزمین مسئولیت سنگین‌تری دارد.<sup>۳</sup> روایت دیگری نیز به همین معنا نقل شده و با اطلاق ظاهر آیه نیز هماهنگ است. به همین دلیل، بعضی از فقیهان می‌گویند: اگر کسی در حرم مکه مرتکب گناهی شود که در

<sup>۱</sup> . برای توضیح بیشتر، نک ج ۲۰ جواهر الکلام ص ۴۸

<sup>۲</sup> کنز العرفان ج ۱ ص ۳۳۵

<sup>۳</sup> تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۴۸۲

اسلام حد برای آن تعیین شده است، باید علاوه بر حد تعزیر، مجازات اضافی نیز بشود. آن‌ها به جمله‌ی «نذقه من عذاب الیم» استدلال کرده‌اند. از آنچه گفتیم روشن می‌شود: کسانی که آیه را به معنای نهی از احتکار یا دخول در منطقه‌ی حرم بدون احرام، تفسیر کرده‌اند، مصداقی روشن دارند؛ در غیر این صورت، دلیلی نداریم که مفهوم وسیع آیه را محدود کنیم.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد